

محمد پیغمبری که از نو باید شناخت

این کتاب اثر (کونستان - وبرژیل - کیورگیو) یکی از نویسندگان معروف رومانی و از شخصیت‌های سیاسی آن کشور است. بطوریکه در مقدمه کتاب ضمن شرح حالش نوشته شده: «وی هم اکنون ساکن فرانسه است و بتازگی جامه روحانیت پوشیده، و در سلك روحانیون درآمد داشته» از سبک بحث و تحقیق کتاب کاملاً پیداست، که نویسنده مزبور بخاطر نگارش این کتاب متحمل چه اندازه رنج و مشکلات شده است. وی بکشورهای عربستان سعودی و یمن سفر کرده و از نزدیک هر جا که بنحوی با تاریخ اسلام و زندگی حضرت رسول اکرم (ص) ارتباط داشته است، دیده و با حوصله و دقت زیاد که شایسته يك نویسنده ورزیده و محقق است اثر خود را در «محمد پیغمبری که از نو باید شناخت» بوجود آورده است.

این کتاب توسط نویسنده مشهور آقای ذبیح الله منصورى، بطور ساده و شیوا ترجمه شده و از طرف اداره مجله «خواندنیها» انتشار یافته است، از وقوع انتشار این کتاب، مکرر عده‌ای از خوانندگان «مکتب اسلام» خواسته‌اند که نظر خود را درباره کتاب مزبور و سایر کتابهای مشابه آن بیان دارد و سود و زیان آن را برای افراد مسلمان و مخصوصاً نسل جوان روشن سازد. این نشریه دینی که جز تبلیغ و نشر تعالیم حیات بخش اسلام و آشنا ساختن مسلمانان بمبانی دینی و مذهبی خود هدفی ندارد؛ پیوسته در این فکر بوده و هست؛ ولی متأسفانه جز یکی دو بار توفیق نیافته است باین منظور جامه عمل بیوشد.

امیدواریم بتوانیم در آینده در این باره بیشتر بحث کنیم، و نقاط ضعف و قوت کتابهای را که در دسترس عموم قرار میگیرد، روشن سازیم.

بطوریکه گفتیم مؤلف کتاب «محمد پیغمبری که از نو باید شناخت» یک فرد خارجی و اصلاً از مردم رومانی و پیرو کیش مسیحی است. از مطالعه کتاب وی پیداست که زبان عربی را خوب میدانده و مستقیماً از منابع اسلامی و قرآن مجید استفاده کرده است. نامبرده علاوه بر اطلاعات تاریخی و علمی در شبه جزیره عربستان و یمن، طی تحقیقات عملی که به عمل آورده است؛ بگفته خودش از مشاهده زمین هموار و صحاری پیکران عربستان، از تماشای ریگهای روان و ماسه‌های

سوزان آن ، ازدیدن کوههای پراکنده و باهویت و صخره‌های خشن آن ، از منظره آسمان باز و انبوه ستارگان فروزان آن ، از روزهای گرم و طاقت فرسای آن محیط ، که همه در معرفی پیغمبر بزرگ اسلام مؤثر بوده است او را سخت تحت تأثیر قرارداد داده و مینویسد :

«تحقیق در وضع زندگی محمد هنگام طفولیت نشان میدهد ، اندیشه‌ای که سبب گردید بالاخره آن طفل یتیم از طرف خداوند برای پیغمبری مستعد شناخته شود ، از طفولیت در او راه یافت و از همان موقع که محمد در صحراهای گرم عربستان گله می‌چرانید عادت کرد که در خود فروبرود و فکر کند صحرا برای اندیشه کردن و در خود فرو رفتن بهترین مکان است . مذاهب بزرگ گذشته ، از این جهت از صحراهای گرم بوجود آمده که صاحبان ادیان مجال زیاد داشتند که در آن صحاری وسیع درباره خداوند و راز خلقت و تکلیف و سر نوشت نوع بشر فکر کنند .

تا انسان مدتی در صحراهای وسیع عربستان و شرق نزدیک بسر نبرده باشد ؛ نمیتواند بفهمد چگونه وسعت و سکوت آن صحراها سبب توسعه فکر میشود و اندیشه را تقویت مینماید (صفحه ۴) این نویسنده غربی با استفاده از مطالعات نسبتاً کاملی که در تاریخ اسلام نموده ؛ با استمداد از اطلاعات تاریخی ، روانی ؛ اقتصادی ، جنگی و شخصیت اجتماعی و سیاسی خود ، در نگارش این کتاب و تشریح فلسفه ظهور اسلام و علل پیشرفت سریع این دین حنیف و فداکاری و جان نوازی خارق العاده مسلمانان صدر اسلام ؛ با منطق قوی و ساده‌ترین عبارت قلمفرسائی کرده و زندگی پیغمبر اسلام را محققانه مورد تجزیه و تحلیل قرارداد داده است ؛ و از این حیث کتاب وی ؛ دارای مطالب تازه و سودمندی است که در سایر کتابها کمتر دیده میشود .

این کتاب که اثر یک نویسنده دانشمند غربی است ، برای مطالعه افراد غیر مسلمان و بی-اطلاع از اسلام ، جالب و مفید است ؛ و پاسخ گویائی با افراد بیمایه‌ای است که با دیده بدبینی و حقارت و دشمنی با اسلام و رهبر عالیقدر آن «محمد» (ص) مینگرند . در عین حال با کمال تأسف باید گفت از نظریک فرد مسلمان شیعه ، نواقصی دارد که نمیتوان آنرا از نظر دور داشت ؛ و طبعاً از اهمیت کتاب خواهد کاست .

اصولاً باید دانست که مؤلف این کتاب و هر نویسنده دیگر غربی ، حتی بسیاری از نویسندگان امروز مسلمین از شیعه و سنی و ایرانی و غیر ایرانی در نگارش تاریخ اسلام و زندگی پیغمبر (ص) بیشتر از منابع اهل تسنن و کتب تاریخ و حدیث آنها استفاده کرده و میکنند . بهمین جهت گرچه ممکن است گاهی آثار آنها از نظر مبانی کلی اسلامی جالب و قابل مطالعه باشد ، ولی از لحاظ

آنچه مربوط بجهان تشیع است نیازمند به بحث و انتقاد میباشد .

بطوریکه میدانیم و دره مقدمه کتاب مزبور هم نوشته است : کشور رومانی واقع در اروپای شرقی که مؤلف از مردم آنست ، مدت چهار قرن ونیم ؛ تحت نفوذ مسلمین میزیست ؛ و جزء متصرفات دولت عثمانی (ترکیه) بود . از اینرو ، اسلامی که اهالی رومانی شناخته اند ، اسلام از نظر اهل تسنن میباشد . مدارک و منابعی هم که مؤلف در کتاب نام میبرد ؛ همه از کتب اهل سنت است ، بملاوه وی در سفر حجاز و یمن و اماکن دیگر ، همه جا پایروان تسنن آمیزش نموده ؛ و با طرز فکر آنها سروکار داشته است ؛ وی دسترسی بکتب شیعیان و منابع و مدارک معتبر آنان نداشته ؛ از این نظر کتاب « محمد پیغمبری که از نو باید شناخت » در جهت طرز تفکر و اعتقاد مسلمانان سنی مذهب ، بقالب تألیف درآمده ، و برای مسلمانان ایرانی زبان شیعی مذهب خالی از اشکال و ابهام نیست ؛

در این کتاب در باب رأی و تدبیر و شجاعت افرادی که معروف باین اوصاف نبوده اند ؛ سخن رفته و بعکس شخصیت بزرگ و بی نظیر حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام ، نیرومندترین و درخشنده ترین چهره اسلام ؛ چنانکه می یابد و شایسته قضاوت صحیح تاریخ است ، نمایانده نشده است . این را هم باید بگوئیم چیزی که موجب توهین بساحت مقدس مولای متقیان باشد ؛ در این کتاب نیامده ، ولی این معنی هست که در بسیاری از موارد که فقط علی علیه السلام قهرمان واقعه یارمزار کربشمار میآمده و تنها شخص وارد و شایسته و منظور نظر خدا و پیغمبر (ص) بوده است ، و مورد اعتراف محققین اهل تسنن میباشد ، چیزی نوشته نشده است .

تذکر این نکته راهم لازم میدانیم که مؤلف و مترجم آن ، تا آنجا که نویسنده مطالعه کرده است ، با کمال بی نظری اقدام بتألیف و ترجمه آن کرده اند . آنچه منظور ما در نگارش این مقاله است ، تنها یادآوری این نکته بخوانندگان آن کتابست که با توجه بانچه نوشتیم ، هر جا برخلاف معتقدات شیعه ، مطالبی دیدند ، بدانند که مؤلف آنرا از منابع غیر شیعه گرفته و از دسترسی بمدارک معتبر پیروان اهل بیت پیغمبر و طرز تفکر آنان درباره ائمه اطهار (ع) بی خبر بوده ، یا تحت تأثیر مرام اکثریت اهل تسنن واقع شده است .

اگر مترجم محترم در مواردی که با طرز تفکر شیعه مخالفت دارد ، توضیح لازم را میداد یا الاقل در مقدمه کتاب مینوشت که مؤلف آنچه در این کتاب نوشته از کتب مسلمانان اهل تسنن گرفته است ، تقریباً نقیصه کتاب بر طرف میشد و دیگر بعضی خوانندگان دچار شك و تردید نمیشدند و از ما نظر نمی خواستند .

اینک برای مزید اطلاع خوانندگان محترم چند مورد از کتاب که برخلاف عقیده شیعه

و موافق بعضی از روایات ضعیف اهل سنت (نه روایات معتبر آنها) میباشد در زیر نوشته میشود:

۱- یکی از حوادث مشهور تاریخ حیات پیغمبر (ص) این بود که خداوند بوی امر فرمود اقربای نزدیک خود را دعوت باسلام نماید. پیغمبریک مهمانی مفصل با این منظور دادند و در آخر از بستگان خود خواست که مسلمان شوند «هیچ يك از آنها دعوت رسول الله را نپذیرفتند فقط علی (ع) ازجا برخاست و گفت: یا محمد من دعوت تو را میپذیرم و ایمان میآورم». قسمت اخیر این روایت منغیر با نظریه اکثر دانشمندان مسلمان میباشد (صفحه ۹۹)

زیرا مطابق نقل صحیح، پیغمبر (ص) خطاب به فامیل نزدیک خود فرمود: هر کس قبل از همه برخیزد و اعلام همکاری با من کند؛ بعد از من وزیر و جانشین من خواهد بود، و با اینکه حضرت چندبار سخن خود را مکرر نمود کسی جز علی علیه السلام که در آن موقع جوانی نارس بود برخواست. ولی این مورخ غربی خیال میکرد علی (ع) در آن روز تازه مسلمان شده بود.

۲- در صفحه ۱۱۷ مینویسد: «باید متوجه بود که ابوطالب مسلمان نشد و تا آخرین ساعات از عمر حاضر نگردید که از دین اجدادش صرف نظر کنند... ابوطالب بدین اسلام عقیده نداشت و محمدا پیغمبر نمیدانست»؛ این موضوع نیز از روایات ساختگی و مجعول دشمنان امیر مؤمنان علی علیه السلام است که در زمان معاویه نشر دادند و بدینوسیله خواسته اند، یگانه مدافع پیغمبر اسلام یعنی حضرت ابوطالب پدر علی (ع) را مشرک قلمداد کنند و این اقتضار را هم از علی (ع) بگیرند! (در حالی که مدارک صحیحی بر اسلام و ایمان ابوطالب در دست است)

۳- در صفحه ۱۵۱ آیه **وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ** را که در شب هجرت پیغمبر از مکه در باره شخص امیر مؤمنان و جانبازی آن حضرت در راه پیغمبر (ص) نازل شده است، مربوط به «صهیب» رومی غلام عمر بن الخطاب میدانند و مینویسد نام (صهیب بن سنان الرومی) در آیه برده نشده ولی بتصدیق تمام دانشمندان اسلامی تردید وجود ندارد که منظور از آن آیه (صهیب) است!

در صورتیکه بسیاری از مورخین و محدثین و محققین اهل تسنن و کلیه دانشمندان شیعه منظور از این آیه را شخص امیر المؤمنین علی (ع) میدانند. و بسیاری از تواریخ گواه آن است

۴- (در صفحه ۳۴۹ مینویسد: خالد بن ولید) بعدها از سرداران برجسته اسلام شد، و از طرف محمد (ص) ملقب به (سیف الله) یعنی شمشیر خدا شد، در صورتیکه پیغمبر چنین لقبی بتخالد نداده است؛ و در نقل صحیح و حدیث معتبر هم نیست.

۵ - در جای دیگر مینویسد : در ده روز اول بعد از فتح مکه دو هزار نفر از افراد طائفه (قریش) مسلمان شدند . طرز مسلمان شدن آنها این بود که یکی بعد از دیگری از مقابل (عمر بن الخطاب) عبور مینمودند و شهادتین را بر زبان میآوردند و عمر با آنها میگفت که از زنا و زناهای محصنه احترامز کنید و بکشید نیکی نمائید .

آنچه در کتب معتبر و حدیث شیعه و سنی آمده ، این است که اهل مکه از مقابل شخص پیغمبر (ص) میگذشتند و مسلمان میشدند و خود پیغمبر با آنها میفرمود : زنان کنید و ... سپس آنها را مورد عفو قرار میداد که از جمله « هند » زوجه ابوسفیان بود . حال چطور عمر بجای پیغمبر آمده است ؛ درست معلوم نیست .

۶ - در صفحه ۴۰۴ مینویسد : « پیغمبر در زمان حیات برای خود جانشین معرفی نکرد ، البته این عقیده اهل تسنن است و مترجم محترم آنها در این مورد توضیح مختصری داده و مینویسد : (توضیح : شیعیان عقیده دارند که حضرت خاتم النبیین در غدیر خم بعد از مراجعت از حج در سال دهم هجرت حضرت علی بن ابیطالب (ع) را بجای نشینی خود تعیین فرمود - مترجم) .

البته این خوب است ولی کافی نیست خوب بود که توضیح بیشتری میداد ؛ و برای اثبات این حقیقت تاریخی ، قلم را تا حدی آزاد میگذاشت . تعجب در اینست که در این کتاب با اینکه تمام جزئیات مربوط بتاریخ زندگانی پیغمبر (ص) بقلم آمده ؛ مع الوصف داستان غدیر خم که پیغمبر (ص) بعد از سفر « حجة الوداع » علی (ع) را بالای دست بلند کرد و به مردم نشان داد و او را بجای نشینی خود تعیین فرمود ، و اول کسیکه این منصب بزرگ الهی و آسمانی را به علی (ع) تبریک گفت ؛ شخص عمر بن الخطاب بود ، ابدأ ذکر این از آن بهمان نیامده است ؛ چرا ؛ برای اینکه گفته : این دانشمند غربی از کتب اهل سنت استناد کرده و با طرز تفکر آنها سر و کار داشته است ؛ با اینکه اهل تسنن اصل جریان را قبول دارند اگر چه در تعیین حضرت بجای نشینی بحث دارند امیدواریم مترجم محترم کتاب در چاپ سوم کتاب ؛ در این باره توضیحات لازم را بدهند تا اکنون که چنین اثر نفیس و سودمندی بدست مردم مسلمان داده اند ؛ حق مطلب را چنانکه می باید ادا کرده و فارسی زبانان شیعی مذهب را از شک و تردید در صحت و سقم و اثبات بی غرضی مؤلف کتاب بیرون بیاورند .

مادر همین شماره و شماره آینده مقاله مفصلی از ابن ابی الحدید معتزلی یکی از محققین اهل تسنن که با کمال متانت و حقیقتجویی علی (ع) را بزرگترین شخصیت اسلامی دانسته و تمام فضائل و مناقب او را بطور فهرست شرح داده برای اطلاع خوانندگان این کتاب ترجمه میکنیم .